

ادراکات توسعه‌گرای دنگ شیائو پینگ و عادی‌سازی سیاست چین در قبال آمریکا

امیرمحمد حاجی یوسفی^۱

دانشیار روابط بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

سید مهدی حبیبی

دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

(تاریخ دریافت ۹۸/۶/۲۳ - تاریخ تصویب ۹۸/۱۲/۱۷)

چکیده

چرایی عادی‌سازی سیاست چین در قبال آمریکا در دهه ۱۹۷۰، پرسشی اصلی پژوهش حاضر است. در پاسخ، نگارندگان این فرضیه را مورد راستی آزمایشی قرار می‌دهند که «روی کار آمدن رهبران جدید با ادراکات متفاوت از رهبران نسل پیشین، متغیر اصلی در عادی‌سازی سیاست‌های چین در قبال آمریکا بوده است». چین تحت رهبری مائو تسه‌دونگ طی دو دهه (۱۹۶۰-۱۹۵۰) علی‌رغم اتخاذ برنامه‌های اقتصادی و فرهنگی متعدد از جمله «جهش بزرگ به جلو»، «راه رفتن با دو پا» «انقلاب فرهنگی» و غیره و همچنین اتخاذ راهبردهایی در سیاست خارجی نظیر «تکیه به یک‌طرف»، «مبارزه با دو مشت» و «ایده انقلاب جهانی»، نه تنها نتوانست کشور پرجمعیت چین را از فقر و انزوا نجات دهد، بلکه بیش از پیش منجر به فقیرتر شدن مردم و در خطر افتادن موجودیت کشور شد. هم‌زمانی این شرایط با کناره‌گیری و سپس مرگ مائو موجب شد تا جناح عمل‌گرا به رهبری دنگ شیائوپینگ قدرت را در دست گیرند. رهبری جدید و همفکرانش، ادامه سیاست‌های پیشین را برای مشروعیت حزب و بقای چین، بسیار پرمخاطره تشخیص دادند؛ بنابراین برنامه اصلاحات اقتصادی و لزوم یادگیری و بهره‌گیری از فرصت‌های بین‌المللی که یکی از محورهای آن عادی‌سازی روابط با آمریکا بود، در دستور کار دولت قرار گرفت.

واژه‌های کلیدی: آمریکا، چین، عادی‌سازی، محیط روانی، تغییر رهبران.

Email: am-yousefi@sbu.ac.ir

^۱ نویسنده مسئول

مقدمه

در مواجهه با واقعیات داخلی و بین‌المللی، رهبران کشورها واکنش‌های متفاوتی از خود نشان می‌دهند. برخی نگرش‌های خود را با محیط عملیاتی، همسو می‌سازند و برخی نیز با آن مخالفت کرده و در این مسیر شکست می‌خورند. اشخاصی همچون «پیر ترودو»^۱ نخست‌وزیر کانادا، «خوان ولاسکو»^۲ رئیس‌جمهور پرو، «گوستاو هوشاک»^۳ رهبر حزب کمونیست (۱۹۶۹-۱۹۸۷) و رئیس‌جمهور چکسلواکی (۱۹۸۹-۱۹۷۵) از جمله رهبران سیاسی موفق بودند که نگرش و سیاست‌های خود را بانظم بین‌المللی موجود، سازگار کردند؛ اما اشخاصی همچون «بن بلا»^۴ رئیس‌جمهور الجزایر، «احمد سو کارنو»^۵ رئیس‌جمهور اندونزی، «قوام نکرومه»^۶ رئیس‌جمهور غنا، «الکساندر دوبچک دبیر اول حزب کمونیست چکسلواکی»^۷، «مائو تسه دونگ»^۸ رهبر حزب کمونیست چین، «سالوادور آلنده»^۹ بیست و نهمین رئیس‌جمهور شیلی و غیره به دلیل عدم برخورداری از ادراکات همسو با وضعیت موجود، نتوانستند سیاست‌های خود را با محیط عملیاتی، سازگار سازند. چین اگرچه تحت رهبری مائو تسه دونگ توانست به یکصد سال تحقیر مردم چین توسط امپریالیست‌های مهاجم پایان بخشد و به موفقیت‌های چشمگیری در زمینه نظامی و هسته‌ای دست یابد اما نتوانست اقتصاد عقب مانده چین را نجات دهد بنابراین نسل دوم رهبران چین به رهبری دنگ شیائوپینگ،^{۱۰} عاقبت برخی نمونه‌های اسفبار فوق را پیش روی خود داشتند؛ بنابراین تلاش کردند تا سیاست‌های خود را در قبال جامعه بین‌المللی و در ارتباط با آمریکا تغییر دهند.

¹ Pierre Trudeau

² Juan Velasco Alvarado

³ Gustáv Husák

⁴ Ahmed Ben Bella

⁵ Sukarno

⁶ Kwame Nkrumah

⁷ Alexander Dubček

⁸ Mao Zedong

⁹ Salvador Allende

¹⁰ Deng Xiaoping

چرایی این عادی‌سازی، پرسش اصلی پژوهش حاضر است. نگارندگان در پاسخ، این فرضیه را مورد راستی آزمایشی قرار می‌دهند که «روی کار آمدن رهبران جدید با ادراکات متفاوت از رهبران نسل پیشین، متغیر اصلی در تحول سیاست خارجی و عادی‌سازی سیاست‌های چین در قبال آمریکا بوده است». اهمیت پژوهش در این است که شناخت چرایی عادی‌سازی روابط دو کشور و روند کنش‌ها و واکنش‌های طرفین، می‌تواند به‌مثابه تجربه و الگویی برای مصادیق مشابه عمل نماید. به لحاظ روشی نیز، متناسب با مسئله پژوهش، از روش تحلیل محتوا استفاده شده است. تحلیل محتوا از روش‌های عمده مشاهده اسنادی است که به‌وسیله آن می‌توان، اسناد و مدارک و درواقع هر مطلب یا سند ثبت ضابطه‌شده‌ای را با درجات بالایی از روایی و پایایی مورد ارزیابی و تحلیل قرار داد. هدف از تحلیل محتوا درواقع شناسایی اهداف، ارزش‌ها، فرهنگ و ادراکات نویسنده متن یا فرد مصاحبه شونده است (Freud, 1989).

۱. انقلاب کمونیستی و آغاز تنش با آمریکا

روابط چین و آمریکا به قرارداد «وانگشیا»^۱ که سال ۱۸۴۴ در دوران ریاست جمهوری «جان تایلر»^۲ امضاء شد، بازمی‌گردد. بر اساس این قرارداد آمریکا حضور مستحکمی در چین پیدا کرد و پس از شکست چین در جنگ دوم تریاک، واشنگتن از ضعف دولت «منچو-چینگ»^۳ کمال استفاده را برد و همراه با دیگر استعمارگران، دوره‌ای را که به «قرن تحقیر»^۴ معروف است بر چین تحمیل کرد. طی این دوران بی‌سابقه‌ترین ستم به این امپراتوری وارد شد. این ظلم‌ها پایه‌های «شورش تایپینگ‌ها»^۵، «شورش بوکسورها»^۶،

¹ Wangxia

² John Tyler

³ Manchu-Qing

⁴ Hundred Years of Humiliations

⁵ Taiping Revolution

⁶ Boxer Revolution

«انقلاب بورژوا-دموکراتیک»^۱ و سرانجام «انقلاب سوسیالیستی»^۲ و تأسیس حکومت «جمهوری خلق چین» در ۱۹۴۹ را فراهم کردند (شاهنده، ۱۳۹۶: ۲۳ و Ogata, 1998: 1). واشنگتن پس از پایان جنگ جهانی دوم موضع بسیار خصمانه‌ای نسبت به کمونیست‌ها به رهبری «مائو تسه دونگ» (۱۹۶۹-۱۸۹۰) اتخاذ کرد و تلاش وافر برای ممانعت از پیروزی آن‌ها مبذول داشت و علیرغم تأکید بر عدم دخالت در مرحله پایانی جنگ داخلی چین (۱۹۲۷-۱۹۴۹)، عملاً به حمایت همه‌جانبه از ناسیونالیست‌های چین و رژیم «چیانگ کای شک»^۳ پرداخت تا از این طریق، در چین جنگ داخلی راه بیندازد (شاهنده، ۱۳۹۶: ۲۳). آمریکا پس از ناکامی در این زمینه و فرار ناسیونالیست‌ها به جزیره تایوان، رژیم مستقر در آن جزیره را تحت نام «جمهوری چین»، به‌عنوان تنها نماینده چین شناسایی کرد و حکومت جدید در «چین قاره‌ای» را یاغی اعلام نمود و خصومت با آن را در رأس سیاست خارجی خود قرار داد. بعد از جنگ کره در ژوئن ۱۹۵۰، به‌استثنای یک کانال سفارتی محدود در ورشو، برای مدت دو دهه هیچ‌گونه تبادلی رسمی میان دو کشور وجود نداشت. بسیاری از متحدان آمریکا و کشورهای غربی نیز به تشویق آمریکا، روابط دیپلماتیک خود با چین را قطع کردند و آمریکا باهدف دور نگاه‌داشتن چین از جامعه بین‌المللی، سیاست مهار و محاصره این کشور را در دستور کار قرار داد تا زمینه برای سقوط آن فراهم گردد (Ogata, 1998: 1).

۲. محیط روانی یا چارچوب ادراکی رهبران

همان‌طور که روزنا در پیش‌تئوری بیان کرده است کشورهای نظیر چین که دارای نظام سیاسی بسته و غیر دموکراتیک هستند، رهبران یا نخبگان قدرت همواره نقش اصلی در تصمیمات سیاست خارجی ایفا می‌کنند و کمتر تحت تأثیر افکار عمومی و گروه‌های

¹ Bourgeois-Democratic Revolution

² The people Republic of China

³ Chiang Kaishek

ذی‌نفوذ قرار دارند. «وانگ گوانگ یا»^۱، معاون وزیر خارجه چین (۲۰۱۰-۲۰۰۸)، به‌خوبی به این ویژگی تصمیم‌گیری در سیاست خارجی چین اشاره کرده است و می‌گوید: «کنترل تصمیم‌گیری و سیاست‌سازی در روابط خارجی چین همواره به نخبگان ارشد کشور تعلق داشته است، از مائو و چوئن لای در نسل اول تا دنگ شیائو پینگ، جیانگ زمین و هو جین تائو در نسل‌های بعدی» (Kuhn, 2010: 376). بنابراین همواره شاکله شناختی و ایستارهای سیاسی-اقتصادی رهبران چین، تأثیر بسزایی در سیاست‌های این کشور داشته است. مائو به‌عنوان مؤسس جمهوری خلق چین و دنگ شیائو پینگ به‌عنوان طراح اصلی «سیاست درهای باز و اصلاحات»^۲ از مهم‌ترین رهبران چین محسوب می‌شوند. در روابط خارجی چین از جمله در ارتباط با آمریکا، نگرش‌ها و مفهوم‌سازی‌های آن‌ها از وضعیت چین و جهان، نقش بسیار مهمی ایفا کرده است. به‌طوری‌که بسیاری از مورخان، تاریخ جمهوری خلق چین را به دو دوره قابل تقسیم می‌دانند: دوره مائو (۱۹۷۶-۱۹۴۹) و دوره دنگ شیائو پینگ (۱۹۷۸-۱۹۹۷) (Cheng & Zhang, 1999: 92). از همین‌رو شناخت تصورات و ادراکات این دو رهبر، متغیر اصلی در فهم چرایی تصمیم عادی‌سازی مناسبات چین در قبال آمریکا محسوب می‌شود.

حجم انبوه مکتوبات و سخنرانی‌های این رهبران، انتخاب واحد تحلیل را بسیار مشکل می‌سازد؛ بنابراین به‌ناچار می‌بایست دست به‌گزینش زد. از همین‌رو واحد تحلیل، متن سخنرانی‌های منتخب^۳ مائو و دنگ شیائو پینگ در نظر گرفته شده است که از کارایی و پایایی بالایی برخوردار است. همچنین به‌منظور مستدل ساختن هر چه بیشتر نحوه ادراکات رهبران چین، به نقل قول‌های مستقیم آن‌ها که در سایر آثار بیان شده است، اشاراتی خواهد شد. از آنجاکه بررسی تمام سخنرانی‌ها غیر لازم و آوردن تمام وجوه معنایی جهت مقوله‌بندی، حجم زیادی را می‌طلبد؛ بنابراین، از ابتدا مفروضات بنیادین مورد تأکید در نظریه اسپرات‌ها،

¹ Wang Guangya

² open and reform policy

³ Selected of Works or Selected of Writings

به‌عنوان مقولات تحلیل در نظر گرفته می‌شود و بر اساس آن واحد فشرده معنا (جمله و پاراگراف) انتخاب و کدگذاری خواهد شد. این امر، ضمن اینکه واحد تحلیل را از حداکثر باروری و معناداری تجربی برخوردار می‌کند، در راستی آزمایی هر چه‌بهرتر فرضیه نیز کمک‌کننده خواهد بود.

۲-۱. چارچوب ادراکی مائو تسه دونگ

پیش از آغاز اصلاحات، نگرش‌های مائو که عمدتاً برگرفته از ایدئولوژی مارکسیسم-لنینیسم بود بر مناسبات این کشور با سایر کشورها و به‌ویژه آمریکا سایه انداخته بود و سیاست چین را تا زمان مرگ مائو و به قدرت رسیدن دنگ، به‌طور کامل تحت سیطره خود داشت. مثلث ذیل (شکل ۱)، سه‌گانه ادراکی مائو را نشان می‌دهد که در ادامه به تفصیل هر یک از این مقولات، با آوردن کدها و واحدهای معنایی یا معرف از متن سخنرانی‌های منتخب مائو، نشان داده می‌شود.

شکل (۱): سه‌گانه ادراکی مائو تسه دونگ



۲-۱-۱. تقدم نگرش ایدئولوژیکی بر اصول و واقعیات اقتصادی

با پیروزی انقلاب چین، اگرچه احیاء اقتصاد در دستور کار قرار گرفت اما در نظام ادراکی مائو، مبارزه عقیدتی و تعقیب اهداف ایدئولوژیکی به مراتب اولویت بیشتری نسبت به توسعه اقتصادی داشت. شاخص‌هایی نظیر مبارزه دائم ایدئولوژیکی با دشمنان داخلی و خارجی

انقلاب، اقتصاد دستوری و متمرکز مبتنی بر ایدئولوژی مارکسیستی، تأکید جبرگرایانه بر ایدئولوژی مارکسیستی-لنینیستی، نفی تجارت و جذب سرمایه‌گذاری خارجی، تقدم تعهد ایدئولوژیک بر تخصص‌گرایی، مبارزه ایدئولوژیک با سرمایه‌داری و بورژوازی داخلی و تقدم کار ایدئولوژیک و سیاسی بر کار اقتصادی از جمله کدها و یا شاخص‌هایی هستند که اولویت اهداف ایدئولوژیک در اندیشه مائو را نشان می‌دهد. در جدول شماره (۱) هر یک از این شاخص‌ها یا کدها با آوردن واحد معنا یا معرف نشان داده شده است.

جدول شماره (۱)

مقوله	کد یا شاخص	واحد معنا یا معرف	منبع
ایدئولوژیک‌گرایی	مبارزه ایدئولوژیک با دشمنان داخلی و خارجی انقلاب	<p>۱. ما باید برای حفظ انقلاب و مبارزه با دشمنان داخلی و خارجی با متحدان خود در سطح بین‌المللی و اول‌ازهمه با اتحاد جماهیر شوروی متحد شویم.</p> <p>۲. دشمنان ما کیست‌اند؟ دوستان ما کدام‌اند؟ این مسئله‌ای است که در انقلاب دارای اهمیت درجه اول است... کلیه دیکتاتورهای نظامی، بوروکراتیک‌ها، کمپرادورها و ملاکین بزرگ که متحدین امپریالیسم هستند، دشمنان ما هستند.</p> <p>۳. کار انقلابی ما به پایان نرسیده است. امپریالیست‌ها و مرتجعین داخلی مسلماً به‌آسانی بر شکست خویش صحه نمی‌گذارند و تا آخرین دم می‌جنگند.</p>	<p>1. (Tse-tung, 1977, vol 5: 26)</p> <p>2. (Tse-tung, 1971, vol 1: 31)</p> <p>3. (Tse-tung, 1977, vol 5: 17)</p>
	اقتصاد متمرکز و دستوری مبتنی بر ایدئولوژی مارکسیستی	<p>۱. اکنون ما درگیر نبرد برای سوسیالیسم هستیم و برای به سرانجام رساندن صنعتی کردن سوسیالیستی و دگرگونی سوسیالیستی کشاورزی، صنایع‌دستی و صنایع سرمایه‌داری و بازرگانی می‌جنگیم. این وظیفه‌ای است که برای تمام ملت تعیین گشته.</p> <p>۲. از آنجاکه دهقانان میانه‌حال از انگشت‌نما شدن بیش‌ازحد و از اینکه مبدا مایملکشان اشتراکی شود هراس دارند، برخی افراد شعار مالکیت خصوصی را حفظ کنید سر می‌دهند تا خیال این‌گونه دهقانان را راحت کنند؛ اما این شعار درست نیست. ما در عوض یک گذار قدم‌به‌قدم به سوسیالیسم را پیشنهاد کرده‌ایم.</p>	<p>1. (Tse-tung, 1977, vol 5: 95)</p> <p>2. (Tse-tung, 1977, vol 5: 95)</p> <p>3. (Tse-tung, 1977, vol 5: 176)</p>

مقوله	کد یا شاخص	واحد معنا یا معرف	منبع
		۳. راه سوسیالیستی یگانه راه برای کشاورزی است. وظیفه مرکزی حزب در مناطق روستایی این است که جنبش‌های کمک متقابل و تعاون را گسترش دهد.	
	تأکید جبرگرایانه بر ایدئولوژی مارکسیسم-لنینیسم	۱. اساس تئوریک که افکار ما را هدایت می‌کند مارکسیسم-لنینیسم است. ۲. قاطعانه و شجاعانه برای آرمان کبیر سوسیالیسم نبرد کنید. هر گفتار یا کرداری که با سوسیالیسم مغایرت داشته باشد، کاملاً نادرست است. ۳. کمونیسم کامل‌ترین، مترقی‌ترین، انقلابی‌ترین و منطقی‌ترین سیستمی است که تاریخ بشر تاکنون به خود دیده است. ۴. سراسر نظام اجتماعی سوسیالیستی جایگزین سیستم سرمایه‌داری خواهد شد؛ این قانونی است عینی و مستقل از اراده انسان.	1. (Tse-tung, 1977, vol 5: 148). 2. (Tse-tung, 1977, vol 5: 422). 3. (Tse-tung, 1965, vol 2: 354). 4. (Tse-tung, 1977, vol 5: 514)
	نفی تجارت و جذب سرمایه‌گذاری خارجی	۱. وابستگی به کشورهای خارجی در زمینه غذا، معادل اجازه دادن به دشمن برای دست گذاشتن بر گلو ملت است.	1. (Lampton, 2014: 36 and 26)
	تقدم تعهد ایدئولوژیک بر تخصص‌گرایی	سرخ بودن بهتر از متخصص بودن است. ^۱	1. (Kennedy, 1987: 447)
	مبارزه ایدئولوژیک با سرمایه‌داری و بورژوازی داخلی	۱. برای اینکه در کشور ما نتیجه مبارزه ایدئولوژیک بین سوسیالیسم و کاپیتالیسم معین شود، هنوز مدت‌ها وقت لازم است و این امر نباید موجب نادیده گرفتن ضرورت مبارزه ایدئولوژیک گردد. ۲. ما علیه ایدئولوژی بورژوازی و خرده‌بورژوازی هنوز مبارزه‌ای بس طولانی در پیش داریم. عدم درک این حقیقت و دست کشیدن از مبارزه ایدئولوژیک خطاست. ۳. بورژوازی کمپرادور همیشه یک سگ زنجیری امپریالیسم	1. (Tse-tung, 1977, vol 5: 385). 2. (Tse-tung, 1977, vol 5: 386). 3. (Tse-tung, 1977, vol 5: 327)

¹ better red than expert

مقوله	کد یا شاخص	واحد معنا یا معرف	منبع
		بوده است و آماج حمله انقلاب می‌باشد.	
	تقدم کار ایدئولوژیک و سیاسی بر کار اقتصادی	<p>۱. تعاونی‌ها باید بر انجام کار سیاسی تأکید داشته باشند. شرط اساسی کار سیاسی این است که به‌طور دائم دهقانان را با ایدئولوژی سوسیالیستی سیراب سازیم و تمایلات سرمایه‌داری را انتقاد کنیم.</p> <p>۲. در میان دهقانان مرفه گرایش‌های جدی به سوی سرمایه‌داری وجود دارد. اگر به کوچک‌ترین نحوی کار سیاسی و ایدئولوژیک در میان دهقانان را نه‌تنها در دوره دگرگونی تعاونی بلکه پس‌از آن هم تا مدت طولانی فراموش کنیم، این گرایش‌های شیوع خواهند یافت.</p> <p>۳. کار سیاسی نیروی حیاتی هر کار اقتصادی است... جنبش تعاونی کشاورزی از آغاز یک مبارزه سخت ایدئولوژیک و سیاسی بوده است. تعاونی بدون گذار از این مبارزه، نمی‌تواند به وجود آید.</p>	

ناکامی مائو در برنامه‌های توسعه نظیر «جهش بزرگ به جلو» و یا «راه رفتن با دو پا» نشان می‌دهند که اقدامات وی با اصول اقتصادی و محیط عملیاتی داخل و خارج انطباق نداشت و موجب مقاومت‌هایی از سوی مردم به‌ویژه در منطقه سینکیان، لهاسا و تبت شد. در دوره انقلاب فرهنگی نیز، بسیاری از جمله چوئن لای که برای مدت طولانی نخست‌وزیر و دیپلمات ارشد او بود، قربانی پاک‌سازی‌های بی‌رحمانه قرار گرفتند (کیسینجر، ۱۳۹۱: ۱۲۹). مؤسسه‌های آموزشی چین، وضع بسیار آشفته‌ای پیدا کردند به‌طوری‌که دانشگاه‌های چین به مدت چهار سال تعطیل و دانشجویان و اساتید روانه کار در مزارع و روستاها شدند و به این ترتیب کار در مزارع و تعهد بر تخصص اولویت و برتری یافت. نتایج این انقلاب نیز فاجعه‌بار بود و نارضایتی گسترده مردم چین را به دنبال داشت (Zaho, 2003: 338)؛ بنابراین تصمیمات مائو نه‌تنها نتوانست مشکلات اقتصادی کشور را حل نماید بلکه به علت عدم همسویی با اصول اقتصادی و محیط عملیاتی، موجب تشدید بحران شد. به‌گونه‌ای که

بی‌کفایتی نظام اقتصادی برای مردم چین آشکار شده بود و چین را در عرصه اقتصاد جهانی کاملاً منزوی ساخته بود.

۲-۱-۲. برداشت منازعه آمیز از نظام جهانی

یکی از متغیرهای مهم در جهت‌گیری سیاست خارجی کشورها، درکی است که تصمیم‌گیرندگان نسبت به جایگاه خود در نظام بین‌الملل، وضعیت موجود و یا نیات سایر کشورها دارند. درک ستیزه آمیز نسبت به محیط پیرامون عمدتاً رفتارهای تهاجمی را در پی خواهد داشت و بالعکس، درک صلح‌آمیز رفتارهای همکاری جویانه را به دنبال خواهد داشت. تم اصلی و مبنای نظری روابط خارجی مائو نیز بر بنیاد «جنگ و انقلاب»^۱ بود. رویدادهای پیش و پس از انقلاب، باعث بی‌اعتمادی وی شده بود. ۳۰ سال مبارزه برای پیروزی کمونیسم، جنگ با ژاپنی‌ها، جنگ کره و هراس از تهاجم آمریکا و عبور از مدار ۳۸ درجه، عدم پذیرش چین در سازمان ملل، تنش با هند و درنهایت جنگ مرزی ۱۹۶۲ از جمله رویدادهایی بودند که مائو را برای حفظ نگرش ستیزه‌جویانه مصمم کرده بود. وی معتقد بود «جنگ باعث انقلاب می‌شود و انقلاب از جنگ جلوگیری می‌کند». از نظر او، جنگ جهانی اجتناب‌ناپذیر است و چین باید دائماً برای یک جنگ جهانی بزرگ و یا حتی یک جنگ هسته‌ای آماده باشد (Quansheng, 1996: 48). در متن سخنرانی‌های منتخب مائو به‌ویژه در جلد پنجم این آثار، شاخص‌هایی نظیر تأکید بر خطر وقوع جنگ جهانی سوم، ضرورت تداوم مبارزه و جنگ و همچنین آمریکاستیزی از جمله کدهایی هستند که در ذیل مقوله برداشت منازعه آمیز، نگرش مائو نسبت به نظام جهانی را نشان می‌دهد. در جدول شماره (۲) هر یک از این شاخص‌ها یا کدها، با آوردن واحد معنا یا معرف نشان داده شده است.

^۱ War and Revolution

جدول شماره (۲)

مقوله	کد یا شاخص	واحد معنا یا معرف	منبع
برداشت منازعه آمیز از نظام جهانی	خطر جنگ جهانی سوم	<p>۱. همواره تهدید جنگ از جانب امپریالیست وجود دارد؛ بنابراین امکان یک جنگ جهانی سوم هست.</p> <p>۲. خطر جنگ جهانی جدید هنوز وجود دارد، اگرچه امروزه گرایش و روند اصلی جهان، انقلاب است.</p> <p>۳. در تکامل جنگ کنونی به جنگ جهانی هیچ وقفه‌ای وجود نخواهد داشت و بشریت از فاجعه جنگ در امان نخواهد ماند.</p> <p>۴. امروز دنیا دوران نوین انقلابات و جنگ‌ها را می‌گذراند.</p>	<p>1. (Tse-tung, 1977, vol 5: 26)</p> <p>2. (Zedong, 1994: 279).</p> <p>3. (Tse-tung, 1977, vol 5: 324)</p> <p>4. (Tse-tung, 1965, vol 2: 354)</p>
	ضرورت تداوم مبارزه و جنگ	<p>۱. تا وقتی که انقلاب چین نیروی کافی برای در هم شکستن مواضع اصلی دشمنان داخلی و خارجی فراهم نیامد تا وقتی که نیروهای انقلابی جهان، بخش عمده نیروهای امپریالیسم بین‌المللی را در هم نشکنند و یا تثبیت نکنند، جنگ انقلاب ما همچنان جنگی طولانی خواهد بود.</p> <p>۲. مبارزه طبقاتی بین نیروهای سیاسی گوناگون در زمینه ایدئولوژیک هنوز مبارزه‌ای طولانی خواهد بود و حتی گاهی بسیار شدت خواهد گرفت.</p> <p>۳. آیا در آینده وقتی که تمام امپریالیست‌ها در جهان سرنگون شده و طبقات از بین بروند، بازهم انقلابی وجود خواهد داشت؟ شما چه فکر می‌کنید؟ به نظر من هنوز احتیاج به انقلاب وجود خواهد داشت.</p>	<p>1. (Tse-tung, 1977, vol 5: 158)</p> <p>2. (Tse-tung, 1977, vol 5: 385).</p> <p>3. (Tse-tung, 1977, vol 5: 338)</p>
	آمریکاستیزی	<p>۱. همه فعالیت‌های ضدانقلابی از طرف امپریالیست‌ها و به‌ویژه توسط امپریالیسم آمریکا هدایت می‌شود.</p> <p>۲. ایالات متحده به سبب تجاوز علیه سایر کشورها پرچم ضد کمونیستی را همه‌جا به اهتزاز درآورده است. این کشور نه تنها به کشورهای آمریکای لاتین، آسیا و آفریقا، بلکه در کشورهای اروپا و اقیانوسیه نیز مدیون است. تمام جهان من جمله انگلستان از آمریکا بیزار است.</p> <p>۳. امپریالیسم آمریکا دشمن شما و همچنین ما و دشمن مردم جهان است... آمریکا امپریالیستی جهانی است.</p> <p>۴. مبارزه چین علیه آمریکا، مبارزه پرولتاریای چین علیه</p>	<p>1. (Tse-tung, 1977, vol 5: 27)</p> <p>2. (Tse-tung, 1977, vol 5: 308)</p> <p>3. (Tse-tung, 1977, vol 5: 324)</p> <p>4. (Tse-tung, 1977, vol 5: 324)</p>

مقوله	کد یا شاخص	واحد معنا یا معرف	منبع
		امپریالیسم جهانی است و دولت چین به نمایندگی از پرولتاریا علیه دولت آمریکا که نماینده امپریالیسم جهانی و شرکت‌های فراملیتی است به جنگ و ستیزی بی‌امان مشغول است.	

با توجه به چنین ادراکات منازعه آمیزی بود که مائو در داخل و خارج کشور به دنبال «انقلاب همیشگی»^۱ بود. در داخل می‌کوشید تا انقلاب از مسیری که برای آن ترسیم کرده بود، خارج نشود (کیسینجر، ۱۳۹۱: ۱۳۴) و در خارج نیز چین را کشوری انقلابی در نظر می‌گرفت که می‌بایست از انقلاب‌ها حمایت کند (Tse-tung, 1977, vol 5: 324). مائو در صحنه بین‌المللی به اجتناب‌ناپذیری جنگ با دنیای سرمایه‌داری به رهبری آمریکا باور داشت و دو کشور حتی در یک مقطع زمانی به مقابله نظامی (جنگ کره ۱۹۵۰-۱۹۵۳) نیز پرداختند. آمریکا ستیزی به حدی بود که چین هفته‌ای را تحت عنوان «هفته تنفر از ایالات متحده آمریکا» در تقویم سالانه خود گنجانده بود و مردم ترغیب می‌شدند که با ابتکاراتی، دشمنی با آمریکا را به نمایش بگذارند (شاهنده، ۱۳۹۶: ۱۳).

۲-۱-۳. نگرش تجدید نظر طلبانه

سومین مفروض ادراکی مائو بینش تجدیدنظر طلبانه است. مائو به دنبال احراز نقش جدیدی برای خود به‌عنوان رهبر جهان سوم غیر متعهد و منادی واقعی کمونیسم بود. برگزاری اجلاس باندونگ، حمایت از جنبش‌های کمونیستی در جهان سوم، حمایت از کمونیست‌های ویتنام، آلبانی، کامبوج و غیره، از جمله اقدامات تجدیدنظر طلبانه به شمار می‌رفت (داربی شر، ۱۳۶۸: ۱۴۴). در دوره انقلاب فرهنگی مائو وانمود می‌کرد که جهان خارج وجود ندارد. روابط دیپلماتیک و اقتصادی خود را با بسیاری از دولت‌ها و سازمان‌ها قطع و بسیاری از دفاتر نمایندگی پکن به حالت تعطیل درآمد. تمامی دانشجویان در خارج از کشور فراخوانده شد و به سیاست انزواطلبی در نظام بین‌الملل روی آورد (Zhao 2003).

^۱ Permanent Revolution

(334) در متن سخنرانی‌های منتخب مائو، شاخص‌هایی نظیر مبارزه علیه امپریالیسم، ضدیت با نظام سرمایه‌داری و انقلابی‌گری و صدور انقلاب از جمله کدهایی هستند که در جدول شماره (۳) ذیل مقوله تجدیدنظرطلبی، ادراکات مائو در این زمینه را نشان می‌دهد:

جدول شماره (۳)

مقوله	کد یا شاخص	واحد معنا یا معرف	منبع
تجدیدنظرطلبی	مبارزه علیه امپریالیسم	<p>۱. جبهه متحد چین با شوروی و سایر خلق آزادیخواه بر تسلط امپریالیست‌ها پایان خواهد بخشید.</p> <p>۲. نیروهای انقلابی سراسر جهان متحد شوید و علیه تجاوز امپریالیستی پیکار کنید.</p> <p>۳. دشمن خودبه‌خود از بین نمی‌رود. نه مرتجعین چینی و نه نیروهای متجاوز امپریالیسم آمریکا در چین هیچ‌کدام به‌دلخواه خود از صحنه تاریخ خارج نخواهند شد.</p> <p>۴. صلح تنها زمانی پایدار است که امپریالیسم نابودشده باشد.</p>	<p>1. (Tse-tung, 1977, vol 5: 15)</p> <p>2. (Tse-tung, 1961, vol 4: 283)</p> <p>3. (Tse-tung, 1961, vol 4: 299)</p> <p>4. (Tse-tung, 1977, vol 5: 324)</p>
	ضدیت با نظام سرمایه‌داری	<p>۱. وقتی که بشریت سرمایه‌داری را نابود ساخت، خود به عصر صلح جاودان قدم خواهد گذاشت...</p> <p>۲. هدف ما آن است که سرمایه‌داری را از بین ببریم، آن را از صحنه جهانی پاک‌کنیم و به‌صورت چیز اسقاط شده‌ای درآوریم.</p> <p>۳. نظام سرمایه‌داری در بخشی از جهان (در اتحاد جماهیر شوروی) در موزه نهاده شده و در کشورهای دیگر نیز همچون بیماری محتضر و آفتابی که در پس‌تپه‌های غرب فرومی‌نشیند می‌ماند که عن‌قرب به موزه تاریخ سپرده خواهد شد.</p>	<p>1. (Tse-tung, 1977, vol 5: 324)</p> <p>2. (Tse-tung, 1965, vol 2: 354).</p> <p>3. (Tse-tung, 1965, vol 2: 354).</p>
	انقلابی‌گری و صدور انقلاب	<p>۱. هر کس در سمت خلق انقلابی قرار گیرد انقلابی است و هر کس در سمت امپریالیسم، فئودالیسم و سرمایه‌داری بوروکراتیک قرار گیرد، ضدانقلابی است.</p> <p>۲. انقلاب ما مثل یک جنگ بزرگ است. بعد از پیروزی در هر نبرد، باید بی‌درنگ طرح جدیدی برای نبرد بعدی به مرحله</p>	<p>1. (Tse-tung, 1977, vol 5: 37)</p> <p>۲. (کیسینجر، ۱۳۹۱: ۱۳۴).</p> <p>3. (Tse-tung, 1977, vol 5: 359)</p>

مقوله	کد یا شاخص	واحد معنا یا معرف	منبع
		اجرا بگذاریم. ۳. ما قطعاً از مبارزات ضد امپریالیستی خلق‌های آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین و مبارزات انقلابی خلق‌های کلیه کشورها پستی بانی خواهیم کرد.	

با دستیابی به پیشرفت‌های هسته‌ای در سال ۱۹۶۴، سیاست خارجی چین مداخله جویانه‌تر شد (داربی شر، ۱۳۶۸: ۱۴۰). مائو به حمایت از کمونیست‌ها در کشورهایی مانند کره شمالی و ویتنام شمالی پرداخت و تلاش کرد با بسیج نیروهای خنثی و سوسیالیستی در کشورهای مختلف، جبهه مشترکی را علیه امپریالیسم آمریکا تشکیل دهد (Ogata, 1998: 2). به طوری که بسیاری دست چین را پشت سر جنبش‌های کمونیستی در کامبوج و لائوس می‌دیدند (شاهنده، ۱۳۹۶: ۲۹)؛ اما نهایتاً این قبیل سیاست‌ها و اقدامات در عمل به کار جلب پشتیبانی جنبش‌های انقلابی جهان سوم نمی‌آمد و در عوض، همراه با گسترش تدریجی انقلاب فرهنگی، چین بیشتر به لاک خود فرورفت و روابط خارجی دچار بحران و بلاتکلیفی شد. کشورهای همسایه، چین را به منزله قدرتی مداخله‌گر و تهدیدی جدی تصور می‌کردند و کشورهای بزرگ و صنعتی نیز نسبت به اهداف و سیاست خارجی چین با بدبینی نگاه می‌کردند (اصلاحات در چین، ۱۳۸۰: ۹).

بنابراین همان‌طور که جداول فوق نشان می‌دهد، محیط روانی یا منظومه ادراکی مائو- با مختصات هم‌چون برتری دادن آرمان‌گرایی ایدئولوژیک بر توسعه اقتصادی، نگرش ستیزه‌جویانه و تجدیدنظرطلبی و ضدیت بانظم موجود بین‌المللی- یکی از موانع اصلی عادی‌سازی روابط چین با آمریکا محسوب می‌شد و دو کشور را در تقابل با یکدیگر قرار داد. این تقابل منتج به افزایش فشارهای بین‌المللی، وخامت روزافزون اوضاع اقتصادی و انزوای کامل بین‌المللی چین شد. مجموعه این شرایط بود که بسترهای لازم برای تغییر رهبری چین را فراهم ساخت.

۲-۲. چارچوب ادراکی دنگ شیائوپینگ

تغییر رهبران در جوامع توسعه‌نیافته، به احتمال زیاد تغییر در سیاست‌ها را نیز به دنبال خواهد داشت (Abuza, 1998: 1105). در چین نیز، به قدرت رسیدن رهبرانی با ادراکاتی متفاوت، در وقوع تحولات چین نوین بسیار دخیل بودند. هنگامی که مائو و جناح‌های مخالف تنش‌زدایی با واشنگتن در رأس هرم قدرت قرار داشتند، نسبت به عادی‌سازی سیاست‌ها در قبال آمریکا، تردیدهای جدی‌ای وجود داشت؛ اما با کناره‌گیری و سپس مرگ مائو و بازگشت دوباره دنگ شیائو پینگ به صحنه سیاسی کشور، راه برای روابط رسمی با آمریکا مهیا شد (Chang, 1986: 38). چوئن لای به‌عنوان یکی از عناصر و شخصیت‌های میانه‌رو، به‌منظور ایجاد ثبات سیاسی و اقتصادی در کشور، دنگ شیائوپینگ را که در نتیجه پالایش‌های حزبی تبعید سیاسی شده بود، مجدداً به کار گماشت. دنگ نیز بلافاصله مائو زدایی، بازسازی نظام اقتصادی و تجدیدنظر در مناسبات خارجی چین را در دستور کار قرار داد (کلربرژر، ۱۳۶۸: ۲۸۵). در ادامه با توجه به مقولات سه‌گانه پیش‌گفته، به ترسیم و تشریح محیط روانی دنگ شیائوپینگ به‌عنوان متغیر اصلی تأثیرگذار بر عادی‌سازی سیاست چین در قبال آمریکا، پرداخته می‌شود.

شکل (۲): سه‌گانه ادراکی دنگ شیائو پینگ



۲-۲-۱. تقدم نگرش اقتصادی بر نگرش ایدئولوژیکی

دنگ شیائوپینگ با داشتن درکی متفاوت از محیط بین‌الملل، تأکید را بر تحول اقتصادی، به‌عنوان مبنای رشد چین قرار داد. تئوری «سیاست در رأس» مائو که مسئله ایدئولوژی و تعاون را قبل از مکانیزه شدن کشور می‌دانست از سوی دنگ نفی و «اقتصاد در رأس» به‌عنوان سیاست جدید مورد توجه قرار گرفت (شاهنده، ۱۳۶۵: ۱۲۲). با چنین نگرشی دنگ درصدد برقراری ارتباط سازنده با جهان و عادی‌سازی روابط خود با کشورهای دیگر به‌ویژه آمریکا برآمد؛ زیرا ارتباط با آن‌ها می‌توانست حداقل، برای تحصیل فناوری، منافع اقتصادی گسترده‌ای به دنبال داشته باشد. بر این اساس دنگ با مدنظر قرار دادن محیط عملیاتی و پرهیز از آرمان‌گرایی ایدئولوژیک، برای اولین بار به اصول علمی اقتصاد اولویت بخشید و اقتصاد کشور را به تدریج به سوی اقتصاد بازار آزاد سوق داد. وی در سال ۱۹۷۵ در برگزیده آثار خود می‌نویسد: «ادامه حاکمیت سیاسی حزب کمونیست با توانایی دست‌یافتن به موفقیت‌های اقتصادی و بهبود زندگی مردم پیوند خورده است» (امیدوارنیا، ۱۳۷۰: ۶۳).

شاخص‌هایی نظیر ضرورت توسعه و مدرنیزاسیون، ضرورت یادگیری از جهان خارج و کسب فناوری از کشورهای پیشرفته، ضرورت کمک گرفتن از کشورهای دیگر و خروج از انزوای بین‌المللی، درک شرایط جدید و پذیرش عقب‌افتادگی چین از سایر کشورها، عدم برچسب‌زنی و ترد سرمایه‌داران، توجه به اصول علمی توسعه اقتصادی و ضرورت رویکرد علمی از جمله کدهایی هستند که در ذیل مقوله توسعه محوری، نگرش وی نسبت به برتری توسعه اقتصادی بر آرمان‌گرایی ایدئولوژیک را نشان می‌دهد. در جدول شماره (۲) هر یک از این شاخص‌ها یا کدها، با آوردن واحد معنا یا معرف از متن سخنرانی‌های منتخب دنگ شیائوپینگ نشان داده شده است.

جدول شماره (۵)

مقوله	کد یا شاخص	واحد معنا یا معرف	منبع
توسعه‌محوری	ضرورت توسعه و مدرنیزاسیون	<p>۱. چهار مدرنیزاسیون هدف اصلی ماست.</p> <p>۲. هدف بسیج و اتحاد بیشتر مردم چین در سراسر کشور به‌منظور نوسازی سوسیالیستی است... چین در حال حاضر به یک دوره تاریخی جدید وارد شده است. هدف اصلی در این دوره دستیابی به توسعه و مدرنیزاسیون چهارگانه است... خط سیاسی و ایدئولوژیک ما رساندن کشور به نوسازی سوسیالیستی است.</p> <p>۳. کار اقتصادی یک وظیفه سیاسی است و از اولویت بالایی برخوردار است... من معتقدم برای یک مدت‌زمان طولانی ما باید بر روی کار اقتصادی تمرکز کنیم... وظیفه سیاسی ما تحقق بخشیدن به چهار مدرنیزاسیون تا پایان قرن است.</p> <p>۴. ما باید بسیاری از امور دیگر را نیز بر عهده بگیریم اما توسعه اقتصادی در اولویت است.</p>	<p>1. (Xiapping, 1984: Vol 2: 250)</p> <p>2. (Xiapping, 1984: Vol 2: 138).</p> <p>3. (Xiapping, 1984: Vol 2: 144).</p> <p>4. (Xiapping, 1984: Vol 2: 174).</p>
	ضرورت یادگیری از جهان خارج و کسب فناوری از کشورهای پیشرفته	<p>۱. برای یک دوره زمانی خاص (دوران مائو) یادگیری علم و فناوری پیشرفته از کشورهای توسعه‌یافته تحت شعار نادیده گرفتن چیزهای خارجی، موردانتقاد قرار می‌گرفت. این استدلال بسیار احمقانه است؛ بنابراین ما بسیاری از افراد را برای آشنایی به خارج کشور فرستاده‌ایم. برای دستیابی به چهار مدرنیزاسیون ما باید از کشورهای دیگر بیاموزیم.</p> <p>۲. وقتی به کشور سنگاپور رفتم متوجه شدم که این کشور از سرمایه‌گذاری خارجی استفاده می‌کند.</p> <p>۳. ما به همکاری‌های بین‌المللی خود ادامه می‌دهیم و هنوز نیازمند کسب تجربه و یادگیری برای جذب علم و فناوری پیشرفته خارجی و سرمایه خارجی داریم. ما در این زمینه معتقدیم که در مسیر درستی قرار داریم.</p>	<p>1. (Xiapping, 1984: Vol 2: 101)</p> <p>2. (Xiapping, 1984: Vol 2: 144)</p> <p>3. (Xiapping, 1984: Vol 2: 169)</p>

مقوله	کد یا شاخص	واحد معنا یا معرف	منبع
	ضرورت کمک گرفتن از کشورهای دیگر و خروج از انزوای بین‌المللی	<p>۱. چین نمی‌تواند با بستن درهایش، پیشرفت کند این‌یک خودزنی (self-complacent) است. ما باید کمک‌های خارجی را دریافت نماییم.</p> <p>۲. ما می‌توانیم از منابع مالی و فناوریانه خارجی بهره ببریم... در زمینه تجارت و جذب سرمایه‌گذاری خارجی نباید تردید وجود داشته باشد.</p> <p>۳. ما باید به هر طریق که شده از سرمایه‌گذاری خارجی استفاده کنیم زیرا شانس و فرصت برای انجام این کار به‌ندرت فراهم می‌شود.</p> <p>۴. کشور ما در حال حاضر سیاست اصلاحات اقتصادی درهای باز به جهان خارج را اجرا می‌کند و خواهان همکاری و دریافت کمک از منابع مالی و فن‌آوری کشورهای پیشرفته برای توسعه اقتصادی خود است.</p>	<p>1. (Xiapping, 1984: Vol 2: 101)</p> <p>2. (Xiapping, 1984: Vol 2: 118)</p> <p>3. (Xiapping, 1984: Vol 2: 144)</p> <p>4. (Xiapping, 1984: Vol 2: 291)</p>
	درک شرایط جدید و پذیرش عقب‌افتادگی چین از سایر کشورها	<p>۱. در مقایسه با کشورهای پیشرفته، اقتصاد چین حداقل ده سال عقب‌افتاده است، شاید ۲۰ تا سال یا در برخی زمینه‌ها تا ۵۰ سال.</p> <p>۲. ما به این درک رسیده‌ایم که برای توسعه کشور بودجه و دانش کافی نداریم.</p> <p>۳. کار اقتصادی امروزه بسیار پیچیده‌تر از آن است که در دهه ۱۹۵۰ بود. شرایط متفاوت است وضعیت ما نیز متفاوت است. اکنون پیشرفت‌های جدیدی در علم و فناوری به وجود آمده است... اقتصاد ما باید با استانداردهای جهانی سنجیده شود و باید وارد رقابت بین‌المللی شود.</p> <p>۴. نقش ما در امور بین‌الملل با توجه به رشد اقتصادی ما تعیین می‌شود. اگر کشور ما بیشتر توسعه و پیشرفت کند، ما در موقعیتی قرار خواهیم گرفت که نقش بیشتری در امور</p>	<p>1. (Xiapping, 1984: Vol 2: 101)</p> <p>2. (Xiapping, 1984: Vol 2: 118)</p> <p>3. (Xiapping, 1984: Vol 2: 174)</p> <p>4. (Xiapping, 1984: Vol 2: 256)</p>

مقوله	کد یا شاخص	واحد معنا یا معرف	منبع
		بین‌المللی ایفا کنیم.	
	عدم برچسب‌زنی و ترد سرمایه‌داران	<p>۱. ما دیگر هیچ دلیلی نداریم که به صنعتگران و تاجران خود برچسب سرمایه‌داری بزنیم. سرمایه‌داران باید اجاره داشته باشند تا کارخانه‌هایی را ایجاد کنند و یا در زمینه گردشگری به‌منظور دستیابی به درآمد خارجی، سرمایه‌گذاری کنند.</p> <p>۲. کنترل و تملک وسایل تولیدی متعلق به طبقه سرمایه‌دار چینی و پرداخت یک نرخ بهره ثابت به آن‌ها، به پایان رسیده است. سرمایه‌داران اینک می‌توانند زندگی خود را در جامعه سوسیالیستی داشته باشند. امروز، سرمایه‌داران ما سهم بسیار مهمی در نوسازی سوسیالیستی دارند.</p> <p>۳. باند چهارنفره می‌گفتند بهتر است تحت سوسیالیسم فقیر باشیم تا اینکه تحت سرمایه‌داری ثروتمند باشیم. این سخنی پوچ است.</p>	<p>1. (Xiapping, 1984: Vol 2: 118)</p> <p>2. (Xiapping, 1984: Vol 2: 138)</p> <p>3. (Xiapping, 1984: Vol 2: 169)</p>
	توجه به اصول علمی توسعه اقتصادی و ضرورت رویکرد علمی	<p>۱. شما باید اقتصاد را با توجه به اصول اقتصادی مدیریت کنید.</p> <p>۲. توسعه اقتصادی با شعار امکان‌پذیر نیست ما نیازمند کار سخت هستیم. کار سیاسی باید از طریق کار اقتصادی انجام شود و یک مشکل سیاسی باید از زاویه اقتصادی حل شود. اگر مشکلات اقتصادی حل نشوند مشکلات سیاسی حل نخواهند شد... به لحاظ علمی باید بر اساس اصول واقعی عمل کنیم و کار اقتصادی باید مطابق با قانون اقتصادی انجام شود... اگر ما بخواهیم کارمان را با توجه به قوانین اقتصادی انجام دهیم ما باید مردم را آموزش دهیم. ما به متخصصان نیاز داریم... ما ۱۸ میلیون کارمند داریم اما فاقد کادر فنی، متخصص هستیم.</p>	<p>1. (Xiapping, 1984: Vol 2: 118)</p> <p>2. (Xiapping, 1984: Vol 2: 144)</p>

همان‌طور که جدول فوق نشان می‌دهد دنگ، کسب قدرت اقتصادی به‌جای قدرت ایدئولوژیک را هدف قرار داده بود. وی در این باره می‌گوید: «فقیر بودن، سوسیالیسم نیست. رشد و توسعه اقتصادی اولویت اولویت‌هاست» (Lampton, 2014: 13 & 66). در واقع، نتایج اسفبار سیاست‌های مائو باعث بدبینی دنگ به مدل توسعه سوسیالیستی و برنامه‌ریزی‌های متمرکز شده بود. این در حالی بود که پیشرفت‌های اقتصادی در کشورهای همسایه نظیر ژاپن، هنگ‌کنگ، تایوان، کره جنوبی و سنگاپور که با مدل توسعه لیبرالی اداره می‌شدند به شدت محسوس بود و سطح توسعه اقتصادی بین کره جنوبی و کره شمالی و همین‌طور آلمان شرقی و آلمان غربی که هر یک وابسته به بلوکی از قدرت بودند، کاملاً برای وی قابل‌درک بود (علمایی فر، ۱۳۹۶: ۸۳).

۲-۲-۲. برداشت صلح‌آمیز از نظام جهانی

با قدرت‌یابی دنگ، سیاست خارجی چین کاملاً متحول شد. برخلاف مائو تفکر استراتژیک و بنیاد نظری روابط خارجی وی بر پایه صلح و توسعه قرار داشت (Guangqian, 1989: 3-9) و برخلاف گذشته، فرصت‌ها و امکانات نظام بین‌الملل را مورد توجه قرارداد و به این ترتیب چین را از کشوری انقلابی به ذی‌نفعی در نظام بین‌المللی موجود تبدیل کرد (Kennedy, 1987: 447). شاخص‌هایی نظیر عدم‌حمایت از کمونیسم بین‌الملل و عدم رهبری کشورهای جهان سوم، ضرورت روابط دوستانه با سایر دول و توسعه همکاری‌های بین‌المللی و ضرورت حفظ صلح و ثبات بین‌المللی و پرهیز از جنگ از جمله کدهایی هستند که در جدول شماره (۶) برداشت صلح‌آمیز و همکاری‌جویانه دنگ نسبت به نظام جهانی را نشان می‌دهد:

جدول شماره (۶)

مقوله	کد یا شاخص	واحد معنا یا معرف	منبع
برداشت صلح‌آمیز از نظام جهانی	عدم حمایت از کمونیسم بین‌الملل و عدم رهبری کشورهای جهان سوم	<p>۱. در حال حاضر ما هنوز یک ملت نسبتاً فقیر هستیم. برای ما غیرممکن است به تعهدات بین‌المللی که در زمینه پرولتاریا داریم عمل کنیم. مشارکت ما در این زمینه بسیار کم است.</p> <p>۲. قدرت چین محدود است. چین تنها عضوی از جهان سوم است به همین خاطر باید مسئولیت‌های خود در این زمینه را از بین ببرد. چین نمی‌تواند رهبر باشد.</p> <p>۳. چین نمی‌تواند کمک‌های زیادی به دوستان جهان‌سومی خود ارائه دهد زیرا کشور ما فقیر است و هنوز با مشکلات زیادی مواجه است. ما در حال حاضر همه تلاش‌های خود را برای توسعه سریع اقتصادی انجام می‌دهیم.</p> <p>۴. من گفتم زمانی ما قادر به پشتیبانی از کشورهای فقیر و جهان سوم هستیم که درآمد سرانه ما به ۱۰۰۰ دلار برسد. ما اکنون نمی‌توانیم این کار را انجام بدهیم</p>	<p>1. (Xiapping, 1984: Vol 2: 86)</p> <p>2. (Xiapping, 1984: Vol 2: 297)</p> <p>3. (Xiapping, 1984: Vol 2: 291)</p> <p>4. (Xiapping, 1984: Vol 2: 144)</p>
	ضرورت روابط دوستانه با سایر دول و توسعه همکاری‌های بین‌المللی	<p>۱. ما باید دیپلماسی عمومی را تقویت کنیم. مبادلات دوستانه با کشورهای خارجی را گسترش دهیم و به توسعه جبهه متحد بین‌المللی علیه تجاوز و توسعه‌طلبی کمک کنیم.</p> <p>۲. ما باید تلاش کنیم تا میزان تبادلات دانشگاهی بین‌المللی را افزایش دهیم و همکاری و ارتباطات دوستانه با محافل علمی در سایر کشورها را توسعه دهیم.</p> <p>۳. برای تحقق بخشیدن به چهار مدرنیزاسیون، ما باید سیاست خارجی صحیح و باز بر روی جهان خارج را دنبال کنیم... رسیدن به این هدف بدون همکاری بین‌المللی برای ما غیرممکن است.</p> <p>۴. یکی از اشتباهات مانو نفی مشارکت چین در امور بین‌المللی بود.</p>	<p>1. (Xiapping, 1984: Vol 2: 138)</p> <p>2. (Xiapping, 1984: Vol 2: 67)</p> <p>3. (Xiapping, 1984: Vol 2: 169)</p> <p>4. (Xiapping, 1993: Vol 3: 184)</p>
	ضرورت حفظ صلح و ثبات بین‌المللی و	<p>۱. ما مخالف امپریالیسم، هژمونیسم، استعمار و نژادپرستی هستیم و در حال کار کردن برای حفظ صلح جهانی توسعه روابط در زمینه مبادلات اقتصادی و فرهنگی با دیگر کشورها</p>	<p>1. (Xiapping, 1984: Vol 2: 97)</p> <p>2. (Xiapping, 1984: Vol 2: 174)</p> <p>3. (Xiapping, 1984: Vol 2: 174)</p> <p>4. (Xiapping, 1993: Vol 3: 44)</p> <p>5. (Xiapping, 1993: Vol 3: 58)</p>

مقوله	کد یا شاخص	واحد معنا یا معرف	منبع
	پرهیز از جنگ	<p>بر اساس اصول پنج‌گانه همزیستی مسالمت‌آمیز هستیم.</p> <p>۲. ما معتقدیم جنگ جهانی را می‌توان از بین برد و صلح جهانی را حفظ کرد اگر مبارزه علیه هژمون‌نسیسم به‌طور مؤثر انجام شود.</p> <p>۳. مانند مردم بقیه جهان، ما واقعاً نیازمند محیط صلح‌آمیز هستیم. برای منافع خودمان و اهداف سیاست خارجی و دستیابی به چهار مدرنیزاسیون ما نیازمند محیط مسالمت‌آمیز بین‌المللی هستیم.</p> <p>۴. هدف سیاست خارجی ما صلح جهانی است.</p> <p>۵. چین نیرویی برای صلح است و آخرین چیزی که می‌خواهد جنگ است. چین خیلی فقیر است و می‌خواهد توسعه یابد و این امر بدون محیط صلح‌آمیز ممکن نیست.</p> <p>۶. ما پیش‌ازاین بر این باور بودیم که جنگ اجتناب‌ناپذیر و قریب‌الوقوع است؛ بنابراین بسیاری از تصمیمات سیاسی ما بر اساس این باور و اعتقاد بود اما پس از تجزیه و تحلیل گرایش‌ها و جهت‌گیری‌های کلی در جهان و محیط اطرافمان، ما این نگرش که خطر جنگ قریب‌الوقوع است را تغییر دادیم.</p>	6. (Xiapping, 1993: Vol 3: 85)

برخلاف جهان‌بینی مائو، دنگ معتقد بود که جنگ می‌تواند به تأخیر افتد و یا حتی از آن اجتناب شود. وی در گفتگو با هیئت اتاق بازرگانی ژاپن می‌گوید: «صلح و توسعه دو موضوع مهم و برجسته در جهان امروز هستند» (Xiaoping, 1994: 113). دنگ از یک-سو صلح، همکاری و توسعه را مشخصه بارز نظام بین‌المللی زمان خود می‌دانست و از سوی دیگر به وضعیت صلح‌آمیز نظام بین‌الملل اذعان داشت. به اعتقاد وی، جنگ جهانی در کوتاه‌مدت رخ نخواهد داد. به‌طور مثال در سال ۱۹۸۴ در کمیسیون مرکزی نظامی اظهار داشت «جنگ جهانی برای مدت طولانی رخ نخواهد داد و در صورتی که ما مؤثر عمل نماییم می‌توان از بروز جنگ جهانی اجتناب کرد» (Nanqi, 1989: 11-19). به این ترتیب دنگ چین را از مسیر یک دولت انقلابی با تعهدات و ایدئولوژی جهان‌شمول به یک دولت کم‌مسئولیت تبدیل کرد (اصلاحات در چین، ۱۳۸۰: ۷) و مفاهیم مائوئیستی نظیر «انقلاب

همیشگی» و «مبارزه طبقاتی» را کنار گذاشت (بارنت، ۱۳۸۵: ۱۴-۱۳). در واقع تحت رهبری وی، چین از یک سیاست خارجی انقلابی مبتنی بر ضدیت با محیط بیرونی، به سیاست خارجی اصلاح‌گرایانه و مبتنی بر تعامل مثبت با نظام بین‌الملل روی آورد. در این میان، مهم‌ترین تغییر، عادی‌سازی مناسبات با آمریکا بود. (Wang & Rosenau, 2009: 9-11).

۲-۲-۳. پذیرش نظم موجود بین‌المللی

زمان به قدرت رسیدن دنگ، اوضاع استراتژیک حوزه اقیانوس آرام دستخوش دگرگونی شده بود. قدرت فناوریانه و صنعتی ژاپن، این دولت را به قدرت بزرگ منطقه‌ای تبدیل کرده بود. از طرفی پکن در اروپای غربی و نیز در جهان سوم از داشتن دوستان قابل اعتماد محروم بود (قوام، ۱۳۸۷: ۲۰۳) و کشور در سراسی‌یی یک فرایند انزوای سیاسی و اقتصادی قرار گرفته بود. (کیسینجر، ۱۳۹۱: ۲۴۳). با توجه به این اوضاع، دنگ به نقش مهم آمریکا در نهادها و سازمان‌های بین‌المللی پی برده بود و به‌خوبی واقف بود که اگر بخواهد از منابع کشورهای سرمایه‌داری برای نوسازی چین استفاده کند می‌بایست روابط چین را با آمریکا، برقرار و توسعه بخشد. اتخاذ استراتژی یک‌طرف متحد^۱ از سوی وی به‌خوبی دیدگاه او را نسبت به آمریکا و نظام بین‌الملل، نشان می‌دهد (میرکوشش، ۱۳۸۷: ۲۸۵).

در جدول شماره (۷) شاخص‌هایی نظیر عدم ترس از نظم سرمایه‌داری و پذیرش آن، عدم تهدید چین برای نظم بین‌المللی، عادی‌سازی و توسعه رابطه با سایر کشورها به‌ویژه آمریکا و ضرورت بهره‌برداری از فرصت‌ها و امکانات بین‌المللی از جمله کدهایی هستند که نگرش حفظ وضع موجود در چارچوب ادراکی دنگ را نشان می‌دهند:

^۱ The yitiao xian (one united front) strategy

جدول شماره (۷)

مقوله	کد یا شاخص	واحد معنا یا معرف	منبع
نگرش حفاظ وضع موجود	عدم ترس از نظم سرمایه‌داری و پذیرش آن	<p>۱. باز کردن درهای اقتصادی بر روی جهان خارج و جذب سرمایه‌گذاری خارجی باعث تجلی برخی از تأثیرات سرمایه‌داری در چین خواهد شد ما از چنین احتمالی باخبر هستیم؛ اما این چیزی نیست که ما از آن ترس داشته باشیم.</p> <p>۲. بخش عمده‌ای از چین باید تحت سوسیالیسم ادامه یابد اما یک سیستم سرمایه‌داری در برخی از سرزمین‌ها از قبیل هنگ‌کنگ و تایوان اجازه داده خواهد شد.</p> <p>۳. اگرچه باز کردن درهای کشور بر روی خارج ممکن است برخی تأثیرات منفی سرمایه‌داران با خود داشته باشد؛ اما اگر ما خود را منزوی کنیم و درهای کشور را دوباره ببندیم این مطلقاً برای ما غیرممکن خواهد بود که به سطح توسعه کشورهای پیشرفته تا ۵۰ سال آینده نزدیک شویم.</p> <p>۴. هر نوع سرمایه‌داری بر فئودالیسم برتری دارد.</p>	<p>1. (Xiapping, 1984: Vol 2: 250)</p> <p>2. (Xiapping, 1993: Vol 3: 45)</p> <p>3. (Xiapping, 1993: Vol 3: 60)</p> <p>4. (Xiapping, 1984: Vol 2: 250)</p>
	عدم تهدید چین برای نظم بین‌المللی	<p>۱. برخی از قدرتمند شدن چین نگران هستند اما باید دانست که حجم تجارت خارجی سرزمین اصلی چین کمتر از تایوان است. حتی اگر درآمد سرانه در سرزمین اصلی به سطح کنونی تایوان برسد، چین تهدیدی برای بازارهای جهانی نخواهد بود زیرا تا آن زمان تقاضاهای بیشتری برای عرضه در خانه خواهد بود.</p> <p>۲. چین به‌عنوان یک کشور سوسیالیست متعلق به جهان سوم است و هرگز به دنبال هژمونی نخواهد بود.</p> <p>۳. سیاست خارجی چین یک مجموعه هماهنگ است که می‌توان آن را در سه جمله خلاصه کرد: ۱. با هژمونیسم مخالفیم ۲. از صلح جهانی حفاظت می‌کنیم ۳. ما خواهان همکاری و اتحاد با سایر کشورهای جهان سوم هستیم.</p>	<p>1. (Xiapping, 1984: Vol 2: 173)</p> <p>2. (Xiapping, 1984: Vol 2: 86)</p> <p>3. (Xiapping, 1984: Vol 2: 297)</p>
	عادی‌سازی و توسعه رابطه با سایر کشورها به‌ویژه آمریکا	<p>۱. ما امیدواریم که روابط چین و ایالات متحده آمریکا توسعه یابد... این تصور اشتباه در آمریکا وجود دارد که ایدئولوژی دولت چین برای نابودی کشورهایی مانند آمریکا طراحی شده است. این تصور نه در دهه ۱۹۷۰ صحیح است و نه در دهه</p>	<p>1. (Xiapping, 1993: Vol 3: 214)</p> <p>2. (Xiapping, 1993: Vol 3: 227)</p> <p>3. (Xiapping, 1984: Vol 2: 117)</p> <p>4. (Xiapping, 1984: Vol 2: 119)</p>

مقوله	کد یا شاخص	واحد معنا یا معرف	منبع
		<p>۱۹۸۰. بلکه این دیدگاه مربوط به قبل از دهه ۱۹۶۰ بوده است... من تأکید می‌کنم که ما صادقانه امیدواریم که رابطه چین و آمریکا رکود نداشته باشد و به توسعه خود ادامه دهد.</p> <p>۲. من می‌دانم که شما (ریچارد نیکسون)^۱ یک ضد کمونیست هستید اما من یک کمونیست هستم اما با این وجود برای حل مشکلات، هردوی ما باید بالاترین اهمیت را به منافع ملی دهیم. در مواجهه با مسائل اصلی مانند رابطه چین و آمریکا هردوی ما واقع‌گرا هستیم و به یکدیگر احترام می‌گذاریم.</p> <p>۳. برای چهار مدرنیزاسیون عادی‌سازی روابط بین‌المللی با ژاپن و آمریکا ضروری است.</p> <p>۴. چین باید با کشورهای جهان دوم جهت مقابله با هژمونسم همکاری کند و روابط دیپلماتیک عادی با آمریکا و ژاپن برقرار کند.</p>	
	<p>ضرورت بهره‌برداری از فرصت‌ها و امکانات بین‌المللی</p>	<p>۱. اکنون وقت آن رسیده است که ما یاد بگیریم که از فرصت‌ها و امکانات بین‌المللی استفاده کنیم.</p> <p>۲. در سه سال گذشته (۱۹۷۸-۱۹۸۰) به‌ویژه در سال گذشته (۱۹۷۹) ما یک تعداد بی‌سابقه‌ای از سفرهای بازدید از مناطق مختلف جهان را سازمان‌دهی کرده‌ایم و تقریباً هرماه رهبران کشورهای خارجی را به کشورمان دعوت کرده‌ایم. این فعالیت‌ها یک الگوی دیپلماتیک جدید را برای ما ایجاد کرده است و شرایط بین‌المللی را برای دستیابی به چهار مدرنیزاسیون را فراهم کرده است.</p> <p>۳. ما همچنان از سیاست درهای باز استفاده خواهیم کرد و از مزیت محیط بین‌المللی صلح‌آمیز برای جذب بسیاری از چیزهای مفید از سایر کشورها سود خواهیم برد.</p>	<p>1. (Xiapping, 1984: Vol 2: 169) 2. (Xiapping, 1984: Vol 2: 174) 3. (Xiapping, 1993: Vol 3: 85)</p>

^۱ گفتگو با ریچارد نیکسون رئیس‌جمهور آمریکا، ۳۱ اکتبر ۱۹۸۹.

دنگ با پذیرش نظم موجود بین‌المللی و تصویب «سیاست درهای باز و اصلاحات»، به سرعت متعهد شد تا چین را در سیستم برتون وودز و رژیم‌های بین‌المللی تجارت که پس از جنگ جهانی دوم به رهبری آمریکا ایجاد شد، وارد نماید. به همین منظور در سال ۱۹۸۰ ابتدا به عضویت بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول درآمد سپس در سال ۱۹۸۲ به‌عنوان عضو ناظر موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) و نهایتاً در دسامبر سال ۲۰۰۱ پس از ۱۵ سال مذاکره به عضویت رسمی سازمان تجارت جهانی درآمد. با این الحاق، چین متعهد به پایبندی به اصول اساسی سازمان تجارت جهانی شامل عدم تبعیض، حمایت از تجارت آزاد، حمایت از رقابت و غیره شد (Lampton, 2014: 101).

۳. سیاست تفاهم و گشایش و عادی‌سازی مناسبات

ادراکات ایدئولوژیک محور، ستیزه‌جویانه و تجدیدنظر طلبانه مائو درباره نظم جهانی، به تدریج با تغییر رهبران، کنار گذاشته شدند. رهبری جدید با داشتن ادراکات توسعه محور، صلح‌آمیز و همکاری جویانه، دشمنی و ستیز با آمریکا و نظم بین‌المللی را مغایر با منافع ملی تشخیص دادند. مذاکرات عادی‌سازی روابط خواست چینی‌ها بود و این امر با الهام‌گیری از نگرش‌های نیکسون رئیس‌جمهور آمریکا، تسهیل شد. آمریکا از یک‌سو به دنبال پایان بخشیدن به جنگ ویتنام بود و از سوی دیگر از پیشرفت‌های نظامی شوروی احساس خطر می‌کرد به همین خاطر نسبت به اراده پکن مبنی بر عادی‌سازی مناسبات، انعطاف نشان داد. بنابراین مذاکرات میان دو کشور که از آغاز انقلاب فرهنگی معلق مانده بود، میان سفیران چین و آمریکا، در ژانویه ۱۹۷۰ در ورشو از سر گرفته شد. در آوریل ۱۹۷۱، تیم پینگ‌پنگ آمریکایی به دعوت چین مورد استقبال قرار گرفت (کلربرژر، ۱۳۶۸: ۳۷۸-۳۷۴). در ژوئیه ۱۹۷۱، مذاکرات محرمانه‌ای بین چوئن لای و هنری کیسینجر وزیر خارجه وقت آمریکا در پکن آغاز شد (داربی شر، ۱۳۶۸: ۱۴۶). به دنبال این مذاکرات چین مجدداً توانست در اکتبر ۱۹۷۱ به سازمان ملل متحد راه یابد و جایگزین تایوان شود (Ali, 2007:)

21). نیکسون نیز در فوریه ۱۹۷۲ از چین دیدار و «اعلامیه شانگهای»^۱ را با چوئن لای نخست‌وزیر وقت این کشور امضا کرد. این اعلامیه هر دو کشور را متعهد می‌ساخت که در جهت عادی‌سازی ساختن کامل روابط بکوشند و طبق آن، آمریکا اصل وحدت چین و اصل تعلق تایوان به چین را به رسمیت شناخت اما همچنان تأکید داشت که علایق خود را نسبت به این جزیره و حل صلح‌آمیز مسئله حفظ خواهد کرد. این اظهارات دو پهلوی آمریکایی‌ها در ارتباط با تایوان، باعث شد تا عادی‌سازی مناسبات دو کشور تا به قدرت رسیدن دنگ شیائوپینگ، پیشرفت چندانی نداشته باشد. با بازگشت دنگ به قدرت و انتخاب کارتر به‌عنوان رئیس‌جمهور آمریکا، مذاکرات مجدداً از سر گرفته شد و منتهی به اعلامیه مشترک ۱۵ دسامبر ۱۹۷۸ شد. طبق این اعلامیه، در مقابل وعده رهبران چین در مورد شکیبایی نشان دادن و عدم توسل به‌زور برای حل مسئله تایوان، ایالات‌متحده، اصل حاکمیت ملی پکن بر جزیره تایوان را پذیرفت (کلربرژر، ۱۳۶۸: ۳۷۸-۳۷۴).

نهایتاً در دسامبر ۱۹۷۸، به‌طور رسمی عادی شدن مناسبات دو کشور محقق شد. آمریکا، جمهوری خلق چین را به‌عنوان تنها دولت قانونی چین به رسمیت شناخت و به روابط دیپلماتیک خود با تایوان پایان داد، قرارداد دفاع مشترک آمریکا-تایوان را لغو و قبول کرد که ارتش خود را از تایوان خارج کند. در مقابل چین نیز با اکره پذیرفت که ادامه ارتباطات اقتصادی آمریکا و فروش مقدار محدود سلاح‌های دفاعی به تایوان را تحمل کند. این موافقت‌نامه سرانجام ادامه هر نوع تهدیدی از جانب آمریکا به سرزمین اصلی چین را از میان برداشت. عادی‌سازی مناسبات چین و آمریکا با سفر دنگ شیائو پینگ در فوریه ۱۹۷۹ به واشنگتن کامل شد و دو ماه بعد سفارت‌خانه‌های دو کشور در واشنگتن و پکن تأسیس شد (داریبی شر، ۱۳۶۸: ۱۵۱-۱۵۰).

^۱ Shanghai Communique

نتیجه‌گیری

تحلیل محتوای متن سخنرانی‌های منتخب مائو و دنگ شیائوپینگ نشان می‌دهد که محیط روانی و چارچوب ادراکی متفاوت آن‌ها، نقش چشمگیری در چگونگی مناسبات چین با آمریکا داشته است. مائو در دوران رهبری خود، به دلیل داشتن ادراکاتی نظیر برتری دادن اهداف ایدئولوژیک بر توسعه اقتصادی، برداشت منازعه آمیز و نگرش تجدیدنظرطلبانه نسبت به نظام بین‌الملل، از هرگونه مذاکره و سازش با آمریکا خودداری می‌کرد. آمریکا نیز به‌عنوان مهم‌ترین حامی نظام سرمایه‌داری با کشور انقلابی چین به مقابله پرداخت و با همکاری متحدانش مانع بهره‌برداری و سواری رایگان چین از فرصت‌ها و امکانات بین‌المللی شد. علاوه بر این، در اثر برنامه‌های مائو، کشور با بحران‌های متعدد مواجه گردید؛ به‌گونه‌ای که بعدها چینی‌ها این دوران را دوران ازدست‌رفته تاریخ مدرن این کشور نامیدند. اما در دهه ۱۹۷۰، کناره‌گیری و سپس مرگ مائو فرصت لازم برای عرض‌اندام جناح توسعه‌گرا به رهبری دنگ شیائوپینگ را فراهم ساخت. تحلیل محتوای سخنرانی‌های منتخب دنگ نشان می‌دهد که چارچوب ادراکی و یا محیط روانی وی درست در نقطه مقابل ادراکات مائو قرار داشت. دنگ به دلیل داشتن نگرش توسعه‌گرا، برداشت صلح‌آمیز و همکاری جویانه نسبت به جهان و همچنین پذیرش نظم موجود بین‌المللی، عادی‌سازی مناسبات با آمریکا و تنش‌زدایی در سیاست خارجی را در دستور کار قرار داد. وی اصلاح در داخل و تغییر در سیاست خارجی را مکمل و مقوم هم می‌دانست بنابراین برای انجام اصلاحات و دستیابی به توسعه اقتصادی به‌عنوان مهم‌ترین هدف خود، به کاهش تنش‌ها با جامعه بین‌المللی و به‌ویژه آمریکا نیاز داشت و این امر بدون صلح‌جویی، پذیرش نظم موجود بین‌المللی و توسعه همکاری‌های بین‌المللی امکان‌پذیر نبود. دستاوردهای هسته‌ای دوران مائو، باعث افزایش قدرت چانه‌زنی چین در ارتباط مسائل مورد اختلاف با آمریکا به‌ویژه در ارتباط با مسئله تایوان شد و آمریکا را ترغیب کرد تا اختلافات خود را با چین حل‌وفصل کند. دنگ شیائوپینگ نیز با اراده‌ای نیرومند به‌منظور یادگیری و بهره‌گیری از فرصت‌های بین‌المللی و قدرتمند

ساختن چین، درب‌های کشور را قدم‌به‌قدم و محاسبه‌شده به روی جهان خارج گشود. عادی‌سازی حساب‌شده مناسبات دو کشور، به‌تدریج باعث لغو تحریم‌های بین‌المللی، پذیرش و جذب چین در جامعه جهانی و توسعه روابط سیاسی-اقتصادی چین با غرب شد. به‌طوری که چین توانست، عضویت در سازمان‌های منطقه‌ای، سازمان ملل، صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و نهایتاً سازمان جهانی تجارت را به دست آورد. افزایش تولید ناخالص داخلی از ۱۴۸ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۸ به ۱۲ تریلیون دلار در سال ۲۰۱۸، رشد اقتصادی ۹ درصدی، افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI)، اخذ امتیاز دولت کامله‌الوداد از آمریکا و انعقاد توافقات دوجانبه با سایر کشورها، بهره‌گیری از منابع بانکی و مالی جهانی، کاهش فقر، افزایش نرخ اشتغال و غیره از جمله مهم‌ترین دستاوردهای سیاست‌های نوین دنگ شیائوپینگ در سه دهه پایانی قرن بیستم برای چین بوده است به‌طوری‌که در حال حاضر، این کشور نه تنها توانسته است مشروعیت نظام سیاسی کمونیستی خود را حفظ کند بلکه در بسیاری از حوزه‌های اقتصادی، تجاری و سیاسی نیز روابط اقتدارآمیز خود با آمریکا را حفظ کرده و توانسته است جایگاهش را به‌عنوان یک قدرت بزرگ جهانی و رقیب اصلی آمریکا، تثبیت کند.

منابع:

- امیدوارنیا، محمدجواد (۱۳۷۰). ریشه‌های دگرگونی در اتحاد جماهیر شوروی (با نگاهی مقایسه‌ای به چین)، دفتر مطالعات بین‌المللی و سیاسی.
- بارنت، دوک (۱۳۸۵). «پین: ۱۰ سال پس از مائو»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره چهارم.
- داری شری، ایان (۱۳۶۸). تحولات سیاسی در جمهوری خلق چین، ترجمه عباس هدایت وزیری، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- دهشیار، حسین؛ نجم آبادی، مرتضی و بخشی، رامین (۱۳۹۸). «رقابت چین و آمریکا در دریای جنوبی چین»، فصلنامه راهبرد سیاسی، دوره ۳، شماره ۹، تابستان.
- سلیمانی، عطیه و قنبری برزبان، محمد (۱۳۹۸). «پیامدهای حضور چین در خلیج فارس بر جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه راهبرد سیاسی، دوره ۳، شماره ۱۰، پاییز.
- شاهنده، بهزاد (۱۳۶۵). انقلاب چین، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- شاهنده، بهزاد (۱۳۹۶). چین: روابط با آمریکا و ایران (فرایندهای تأثیرپذیری و تأثیرگیری)، تهران: مرکز مطالعات عالی بین‌المللی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران با همکاری بنیاد حقوقی میزان.
- علمایی فر، ابوالفضل (۱۳۹۶). «اقتصاد چین امروز: کامیابی‌ها و چالش‌ها»، در جامعه، سیاست و اقتصاد در چین امروز، گردآورنده و تدوین ابوالفضل علمایی فر، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعاتی و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- فونتن، اندره (۱۳۶۴). یک بستر و دو دریا، تاریخ تنش‌زدایی ۱۹۶۲-۱۹۸۱، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: نشر نو.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۷). اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، تهران: انتشارات سمت.
- فوزی، یحیی و قربانی، فاطمه (۱۳۹۴). «تحلیل محتوای کمی و کیفی مصاحبه‌ها و پیام‌های امام خمینی (ره) بر اساس صحیفه امام»، فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام، شماره ۲.

- عسگرخانی، ابومحمد؛ مکرمی پور، محمدباقر و محمدی، سبحان (۱۳۹۸). «امکان سنجی همکاری چین و ایران در آسیای مرکزی بر پایه آراء نواقح گرایي»، فصلنامه راهبرد سیاسی، دوره ۳، شماره ۸، بهار.
- گروه محققان مؤسسه ابرار معاصر (۱۳۸۰). *اصلاحات در چین و شوروی*، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- کلربرزر، ماری (۱۳۶۸). *جمهوری خلق چین ۱۹۸۵-۱۹۴۹*، ترجمه عباس آگاهی، تهران: معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی.
- کیسینجر، هنری (۱۳۹۱). *چین*، ترجمه حسین رأسی، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۴). «احیای حوزه تحلیل سیاست خارجی: تحلیلی چند متغیره»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال ۱۰، شماره ۳.
- میرکوشش، امیرهوشنگ (۱۳۸۷). «اصلاحات اقتصادی چین و چشم‌انداز آینده»، *اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، شماره ۲۴۸-۲۴۷.
- نیکسون، ر (۱۳۷۰). *در صحنه خاطرات پیروزی، شکست و تجدید حیات*، ترجمه احمد عزیزی، تهران: انتشارات اطلاعات، چاپ اول.
- Abuza, Z. (1998). "Leadership transition in Vietnam since the Eighth Party Congress: the unfinished congress", *Asian Survey*, 38(12), 1105-1121.
- Ali, S. M. (2007). **US-China Cold War Collaboration: 1971-1989**. Routledge.
- Chang, J. L. J. (1986). **United States-China Normalization and Evaluation of Foreign Policy Decision Making**. Occasional Papers/Reprint Ser. Contemp. Asian Stud. xv.
- Deng, X. (1984). **Selected Works of Deng Xiaoping, 1975-1982** (Vol. 2). China Books & Periodicals.
- Deng, X. (1993). **Selected works of Deng Xiaoping**, vol. 3. Beijing: People's Publishing House, 35.
- Deng, X. (1994). **Selected Works of Deng Xiaoping, Volume III (1982-1992)**, Beijing: Foreign Languages Press.
- Cheng, J. Y, & Zhan, F. W. (1999). **Chinese foreign relation strategies under Mao and Deng: a systematic and comparative**

- analysis.** Kasarinlan: Philippine Journal of Third World Studies, 14(3).
- Goh, E. (2004). **Constructing the US Rapprochement with China, 1961–1974: From 'Red Menace' to 'Tacit Ally'**: Cambridge University Press.
 - Guangqian, P. (1989). "**Deng's Xiaoping's Strategic Thought**". P.3-9. At: Pillsbury, Michael, Chinese views of Future Warfare. Revised edition. Washington DC: National Defense University Press.
 - Hudson, V. M. & Vore, C. S. (1995). **Foreign policy analysis yesterday, today, and tomorrow**. Mershon International Studies Review, 39(Supplement_2), 218.
 - Kennedy, P. (1987). **The Rise and Fall of the Great Powers: Economic Change and Military Conflict from 1500 to 2000**, New York: Random House.
 - Kuhn, S. (Feb. 18, 2016). "**Unbalanced Alliances: Why China Hasn't Reined in North Korea**", Foreign Affairs.
 - Lampton, D. M. (2014). **Following the Leader: Ruling China**, from Deng Xiaoping to Xi Jinping. Univ of California Press.
 - Nanqi, Z. (1989). "**Deng Xiaoping's Theory of Defense Modernization**". P.11-19. At: Michael Pillsbury. Chinese views of Future Warfare. Revised edition. Washington DC: National Defense University Press.
 - Ogata, S. N. (1988). **Normalization with China: A Comparative Study of US and Japanese Processes** (Vol. 30). Institute of East Asian Studies University of California.
 - Quansheng, Z (1996). **Interpreting Chinese Foreign Policy: The Micro-Macro Linkage Approach**, Hong Kong: Oxford University Press.
 - Sprout, H & Sprout, M (1956). **Man-milieu relationship hypotheses in the context of international politics**. Center for International Studies, Princeton University.
 - Sprout, H. & Sprout, M. (1957). "**Environmental factors in the study of international politics**", Conflict Resolution, 1(4), 309-328.

- Tse-tung, M. (1971), **Selected Readings From The Works of Mao Tse-Tung**, vol 1, Peking: Foreign Languages Press.
- Tse-tung, M. (1965), **Selected Works From The Works of Mao Tse-Tung**, vol 2, Peking: Foreign Languages Press.
- Tse-Tung, M. (1961). **Selected Works of Mao Tse-Tung**, vol 4. Foreign Languages Press.
- Tse-Tung, M. (1977). **Selected Works of Mao Tse-Tung**, vol 5. Foreign Languages Press.
- Wang, Hongyng and James N. Rosenau (2009). "China and Global Governance ", **Asian Prespective**, Vol.33, No.3.
- Xia, Yafeng. (2006). **Negotiating with the Enemy: US-China Talks during the Cold War, 1949-1972**: Indiana University Press.
- Young, M. D. & Schafer, M. (1998). "Is there method in our madness? Ways of assessing cognition in international relations". *Mershon International Studies Review*, 42(1).
- Zedong, M. (1994), **Selected Works of Mao Zedong on Foreign Policy**, Beijing: Zhongyang Wenxian Chubanshe and Shijie Zhishi Chubanshe.
- Zhao, S. (2003), "Political Liberalization without Democratization: Pan Wei's proposal for political reform", **Journal of Contemporary China**, Vol. 35, No.12.

